



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (۷۱) فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمْرٌ أَن أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۷۲) فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ (۷۳) ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ (۷۴)﴾

جریان نوح از آن جهت که يك صبغه عمومی داشت و سفینه او و طوفان او آیت جهانی بود که تعبیر قرآن این است ﴿وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾^۱ جزء اموری بود که غالب مردم حتی مشرکان حجاز با خبر بودند لذا تلاوت داستان نوح برای مشرکان حجاز عبرت انگیز بود از این جهت در پایان این قصه فرمود ﴿فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ﴾ آنها که انبیا اینها را انداز کردند و آنها علماً عامداً تَمَرَّد کردند کيفر تلخشان همان غرق در طوفان و ورود در نار بود که ﴿اغْرَقُوا فَاَدْخَلُوا نَارًا﴾^۲ قوم نوح جریانشان تا کنون یکی دو بار در سوره مبارکه نساء و سوره اعراف بازگو شد در سوره مبارکه نساء آیه ۱۶۳ به این صورت ارائه شد ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۱۵

۲ - سوره نوح، آیه ۲۵

نوح و النبیین من بعده و اوحینا الی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و عیسی^۱ آیه ۱۶۳ سوره نساء انبیای بعد از نوح را مشخص می‌کند که چه کسانی هستند و آن آیه سهمی دارد در روشن شدن معنای آیه ۷۴ همین سوره که فرمود ما بعد از نوح انبیایی را فرستادیم آن انبیا چه افرادی بودند چه کسانی بودند در سوره مبارکه نساء مشخص است در سوره اعراف آیه ۶۹ مقداری از وضعیت قوم نوح بازگو شد آیه ۶۹ سوره اعراف این است ﴿وَعَجَبْتُمْ اِنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلٰی رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ﴾ شما را جانشینان قوم نوح قرار داد یعنی شما نسل کسانی هستید که در کشتی نوح بودند و نجات پیدا کردند و جانشین آن اقوام تلف شده و به هلاکت رسیده بودند شما هم جزء جانشینان آنها باشید ﴿اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصۜطَةً فَاذْكُرُوا اِلٰهَ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُوْنَ﴾^۲ در این آیه فرمود ﴿وَاطْلُ عَلَیْهِمْ﴾ یعنی آیه سوره یونس که محل بحث است این چنین فرمود ﴿وَاطْلُ عَلَیْهِمْ نَبَا نُوحٍ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَیْكُمْ مَقَامِيْ وَتَذٰكِرِيْ﴾ این فرمایش را حضرت نوح وقتی گفته است که آنها هم خیلی تندروی و کج رفتاری کردند در سوره مبارکه شعراء آیه ۱۱۶ به این صورت آمده است قوم نوح به حضرت نوح گفتند ﴿قَالُوْا لَنْ لَّمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لِتَكُوْنَنَّ مِنَ الْمَرْجُوْمِيْنَ﴾^۳ تو اگر دست از تبلیغ و تبشیر و انذار بر نداری بالاخره رجم می‌شوی این حرف را در آیه ۱۱۶ سوره شوری^۱ می‌خوانیم چه اینکه در سوره مبارکه هود آیه ۳۲ به بعد [به] این صورت مطرح است ﴿قَالُوْا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَاكْثَرْتَ جِدَالِنَا فَاتَّنَا بِمَا تَعِدُنَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ﴾^۴ بعد از گذشت نه قرن و نیم به حضرت نوح گفتند خیلی جدال کردی خیلی مناظره کردی خیلی ما را به ستوه آوردی بالأخره، ما حرفت را نمی‌پذیریم کاری از تو

۱ - سوره نساء، آیه ۱۶۳

۲ - سوره اعراف، آیه ۶۹

۳ - سوره شعراء، آیه ۱۱۶

۴ - سوره هود، آیه ۳۲

ساخته است انجام بده تو که ما را تهدید می‌کنی به عذاب الاهی آن عذاب الاهی را بیاور اینها هم به قدرت
 مادیشان مغرور بودند همان طوری که فرعون ﴿فَتَوَلَّىٰ بَرَكْنَهُ﴾^۱ اینها هم «تَوَلَّوْا بَارَكَانَهُمْ» لذا وجود مبارك نوح
 (سلام الله علیه) فرمود من حالا تصمیمم را گرفتم و تصمیم من همان تأکید راههای قبلی است و آن توحید در
 توکل است که ﴿فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ﴾ نه «توکلت علی الله» این تقدیم «علی الله» بر «توکلت» برای حصر است که در
 حقیقت توحید در توکل است فرمود من تا کنون که متوکل علی الله بوده‌ام الان در بخش پایانی ﴿فَعَلَى اللَّهِ
 تَوَكَّلْتُ﴾ این توکلم را تکمیل می‌کنم شما هر کاری می‌خواهید بکنید، بکنید گفتید ﴿لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ﴾^۲
 می‌خواهید بکنید، بکنید گفتید ﴿قَدْ جَادَلْتَنَا فَكُتِرْتُ جِدَالُنَا﴾^۳ خسته شدید هر کاری از دستتان برمی‌آید بکنید
 ﴿إِنَّ كَانِ كَبْرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ﴾ شما هم «فَأَجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ» اگر تهدید
 کردید گفتید ﴿لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ﴾^۴ می‌خواهید عمل بکنید، بکنید در چنین فضایی وجود مبارك نوح
 (سلام الله علیه) آن تصمیم نهایی را به اینها ابلاغ کرده است که فرمود ﴿فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ﴾ و هیچ کاری هم از شما
 ساخته نیست من هم هراسی ندارم نه منفعتی از شما به من می‌رسد که حالا نرسد نه توان اضلال را دارید ﴿فَإِنْ
 تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ جَرِّهِ عَلَى اللَّهِ وَآمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ آنها ﴿فَكَذَّبُوهُ﴾، فکذبوه نه یعنی
 حدوثاً بلکه آن تکذیبشان را ادامه دادند همچنان تکذیب را ادامه دادند در این صحنه ذات اقدس اله آنچه را که
 اهمّ است اول ذکر می‌کند آنچه را که مهم است بعد ذکر می‌کند نظم طبیعی این است که آن طوری که در سوره
 مبارکه هود مشخص شد که ما دستور دادیم در روز خطر از جایی خطر جوشید که اینها هیچ فکر نمی‌کردند جایی

۱ - سوره ذاریات، آیه ۳۹

۲ - سوره شعراء، آیه ۱۱۶

۳ - سوره هود، آیه ۳۲

۴ - سوره شعراء، آیه ۱۱۶

که اینها هیچ فکر نمی‌کردند از همان جا خطر جوشید و آن ﴿وَفَارِ التَّوَرِّ﴾^۱ است تَوَرّ جای آتش است جای فوران آب نیست هیچ کس فکر نمی‌کند از درون تنور که مرتب آتش ظهور می‌کرد حالا دفعتهً سیل دربیاید خیلی از جاها ممکن است ذات اقدس الاله اراده بکند آب دربیاید اما الان از معدن آتش آب دربیاید برای اینکه به آنها بفهماند کار به دست دیگری است ﴿وَفَارِ التَّوَرِّ﴾^۲ از آن طرف هم باران سیل‌آسا باریدن گرفت از آن طرف هم از تنور آب جوشید و سطح زمین را آب فرا گرفت و عذاب داشت شروع می‌شد نظم طبیعی این است که همان طوری که بخشی‌اش در سوره مبارکه هود هست بخشی‌اش در جای دیگر، می‌فرماید از بالا به وسیله بارشهای تند سیل‌وار آب ریزش کرد از تنور هم آب جوشید طوفان پدید آمد آنها غرق شدند و نوح (سلام الله علیه) با مؤمنان همراه او نجات پیدا کردند آنها رفتند اینها ماندند و اینها جانشین آنها شدند این سه مطلب را انسان در موقع گفتن باید با ترتیب بگوید آنها از بین رفتند نوح و همراهانشان ماندند و جانشینان آنها شدند اما در موقع گفتن ذات اقدس الاله اول نجات نوح و همراهان نوح را ذکر می‌کند و اینکه اینها جانشین آن هالکین‌اند اینها را ذکر می‌کند بعد از هلاکت آن مکذبان خبر می‌دهد این برای تقدیم اهمّ بر مهمّ است ملاحظه فرمایید فرمود ﴿فَكَذَّبُوا فَجَعَلْنَاهُ مِنْ مَعَهُ فِي الْفَلَكِ﴾ کسانی که با حضرت نوح در کشتی جمع شدند ما اینها را نجات دادیم ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ خُلَافَ﴾ اینها را جانشینان قرار دادیم ﴿وَاغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا﴾ خب نظم طبیعی این است که بفرماید کافران را هلاک کردیم و غرق کردیم اینها را جانشین آنها قرار دادیم اول که اسم جانشین را نمی‌برند که، اول آن مستلخف عنه که از بین رفت آنها را اسم می‌برند بعد خلیفه را، ولی برای اهمیت مطلب اول از نجات و خلافت مؤمنان سخن به میان

۱ - سوره هود، آیه ۴۰

۲ - سوره هود، آیه ۴۰

می آورد بعد از هلاکت کافران ﴿فنجیناه و من معه فی الفلک و جعلناهم خلائف و اغرقنا الذین کذبوا بآیاتنا﴾ این برای تقدیم اهم بر مهم است بعد فرمود ﴿فانظر کیف کان عاقبة المنذرین﴾ تو تلاوت بکن تو نظر بکن یعنی آنها تلاوت تو را خوب تلقی کنند و از این صحنه خوب پند بگیرند این صحنه صدر و ساقه اش پند است يك وقت است يك حادثه ای می آید سیلی می آید آتش سوزی راه می افتد این دیگر ﴿واتقوا فتنة لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة﴾^۱ است حالا وقتی که سیل آمده آتش سوزی آمده دیگر خانه مؤمن و فاسق را یکجا می سوزاند حوادث طبیعی این طور است این طور نیست که حالا سیل اگر آمده خانه مؤمن را خراب نکند خانه کافر را خراب کند یا آتش سوزی افتاده در يك شهر همه را یکجا می سوزاند این ﴿واتقوا فتنة لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة﴾^۲ اما وقتی سخن از آیت الاهی باشد سخن از معجزات باشد همه جا بر اساس ﴿وامتازوا الیوم ایها المجرمون﴾^۳ کار می شود همه جا بر اساس ﴿لیمیز الله الخبیث من الطیب﴾^۴ کار می شود همان در آن جریان ﴿سخرها علیهم سبع لیل و ثمانية ایام﴾^۵ این طور نبود که همه آسیب ببینند کافران از این تند باد رنج می بردند مؤمنان سالم بودند همان جریان حضرت موسی و هارون (سلام الله علیهما) که این آب نیل خون می شد این مؤمنان به حضرت موسی (سلام الله علیه) وقتی يك قدح آب می گرفتند می نوشیدند آب بود و بهره می بردند همین که می دادند به یکی از آن مخالفان می دیدند خون بود این پیداست که بر اساس معجزات الاهی است اینها می گرفتند خون بود آنها می گرفتند آب بود این دم این خون که جزء معجزات حضرت موسی^۱ بود علیه آل فرعون بر اساس ﴿وامتازوا الیوم ایها

۱ - سورة انفال، آیه ۲۵

۲ - سورة انفال، آیه ۲۵

۳ - سورة یس، آیه ۵۹

۴ - سورة انفال، آیه ۳۷

۵ - سورة حاقه، آیه ۷

المجرمون»^۱ شکل می‌گرفت بر اساس ﴿لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾^۲ شکل می‌گرفت آثار معاد و قیامت در معجزات انبیا در دنیا ظهور می‌کند اینجا هم به همین صورت بود فرمود این طوفان که آمد ما فقط همین گروه را نجات دادیم و این سفینه نوح هم این طور نبود که حالا با باد حرکت کند یا با موتور حرکت کند یا با وسایل صنعتی حرکت کند ﴿بِاسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرَسَاهَا﴾^۳ وقتی وجود مبارك نوح (سلام الله علیه) می‌خواست آن را براند رهبری کند حرکت بدهد یا ساکن کند لنگر بیندازد وقتی می‌گفت بسم الله راه می‌افتاد اراده می‌کرد که بایستد می‌فرمود بسم الله می‌ایستاد ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرَسَاهَا﴾^۴ مرسی^۱ یعنی لنگر انداختن این مصدر میمی همان ارسا را می‌فهماند اینکه خدای سبحان فرمود ما سلسله جبال را رواسی قرار دادیم ﴿وَالْجِبَالِ اِرْسَاهَا﴾^۵ یعنی لنگر انداختن این سلسله جبال لنگر کره زمین است که آن را از نوسان و اضطراب باز دارد که «و وتَدَّ بِالصَّخُورِ مِیْدَانَ اَرْضِهِ»^۶ مِیْدَان یعنی اضطراب، مَادَ یعنی اضطرب فرمود مِیْدَان اضطراب نوسان حرکت زمین را با سلسله جبال با این کوههای سنگین می‌خکوب کرد و تد یعنی میخ «و وتَدَّ بِالصَّخُورِ مِیْدَانَ اَرْضِهِ»^۷ یعنی اضطراب ارضه اینجا هم وجود مبارك نوح (سلام الله علیه) با بسم الله کار را پیش برد نه با باد یا با وسائل صنعتی دیگر ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرَسَاهَا﴾^۸ خب چنین معجزه‌ای ﴿لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾^۹ را به همراه دارد ﴿وَامْتَازُوا الْيَوْمَ اِيهَا الْمَجْرُمُونَ﴾^{۱۰}

۱ - سورة یس، آیه ۵۹

۲ - سورة انفال، آیه ۳۷

۳ - سورة هود، آیه ۴۱

۴ - سورة هود، آیه ۴۱

۵ - سورة نازعات، آیه ۳۲

۶ - نهج البلاغه، خطبه ۱

۷ - نهج البلاغه، خطبه ۱

۸ - سورة هود، آیه ۴۱

۹ - سورة انفال، آیه ۳۷

۱۰ - سورة یس، آیه ۵۹

را به همراه دارد و مانند آن لذا فرمود ﴿فنجیناه و من معه فی الفلک﴾ آن کشتی کشتی‌ای نبود که حالا اگر خودش بود بتواند در برابر آن طوفان عالمی بایستد فرمود ﴿و جعلناها آیه للعالمین﴾^۱ معجزه جهانی است آن، مثل جریان حضرت عیسی و مادرش (سلام الله علیها) فرمود ﴿و جعلناها و ابنها آیه للعالمین﴾^۲ این مادر و پسر این دوتایی با هم يك معجزه جهانی‌اند که کسی نه بی اطلاع مانده و نه در اعجاز آنها تردیدی دارد ﴿و اغرقنا الذین کذبوا بایاتنا فانظر کیف کان عاقبة المنذرین﴾ دیگر سخن از قوم نوح و اینها نیست که اصل کلی است هر کس را انبیا انذار کردند اینها هم اصرار ورزیدند بر کفر پایانشان بالاخره این گونه از عذابهاست حالا آنچه را که در سوره مبارکه یونس نقل می‌کنند غالباً با این سه خطر آبی همراه بود یعنی قوم نوح با غرق و قوم موسی (سلام الله علیه) یعنی آن آل فرعون ﴿فاخذناه و جنوده فنبدناهم فی الیم﴾^۳ جریان یونس (سلام الله علیه) را هم که با دریا هماهنگ بود ﴿و اغرقنا الذین کذبوا بایاتنا فانظر کیف کان عاقبة المنذرین﴾ برای همیشه این اصل ثابت است برای تداوم همان اصل فرمود ﴿ثم بعثنا من بعده رسلا الی قومهم﴾ هرگز ذات اقدس اله بشر را بدون هدایت و راهنمایی رها نمی‌کند بالاخره خدا ربّ اینهاست انسان را باید بیوراند انسان هم با علم و معرفت پرورش پیدا می‌کند معرفت و علم هم به وسیله انبیا عاید مردم می‌شود فلذا می‌فرماید ﴿ثم بعثنا من بعده رسلا الی قومهم﴾ این مرسلین چه کسانی هستند بخشی از این مرسلین که بعد از حضرت نوح‌اند حضرت موسی و هارون و اینها هستند که بعد از حضرت نوح هستند چون قصه موسی و هارون را در آیه بعد ذکر می‌کند معلوم می‌شود اینکه فرمود ﴿ثم بعثنا من بعد قومه رسلا الی قومهم﴾ این ناظر به آن انبیا و مرسلین (علیهم السلام) هستند که آنها در فاصله بین نوح و موسی

۱ - سوره عنکبوت، آیه ۱۵

۲ - سوره انبیاء، آیه ۹۱

۳ - سوره قصص، آیه ۴۰

(علیهما السلام) واقع شدند گرچه موسی و هارون و همچنین عیسی (علیهم السلام) بعد از نوح‌اند ولی اینها را چون در این سوره موسی و هارون (علیهم السلام) را ذکر می‌کند و جداگانه مطرح می‌کند معلوم می‌شود که منظور از این رسل آن انبیایی‌اند که بین حضرت نوح و حضرت موسی (علیهما السلام) قرار گرفتند ﴿ثم بعثنا من بعده رسلاً الى قومهم﴾ این رسل بخشی از آنها در سوره مبارکه نساء آمده است که آیه ۱۶۳ سوره نساء این بود ﴿انا اوحينا اليك كما اوحينا الى نوح والنبيين من بعده واوحينا الى ابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب والاسباط﴾^۱ اینها انبیایی هستند که بعد از حضرت نوح‌اند لکن هم از آیه ۱۶۳ می‌توان استفاده کرد هم از اطلاق آیه محل بحث که انبیایی که بعد از نوح هستند تا زمان حضرت موسی اینها يك قسمتشان در قرآن کریم، قصص و داستانهای آنها آمده يك قسمتشان هم نیامده چون در همان آیه ۱۶۳ و ۱۶۴ سوره مبارکه نساء به این صورت آمده است ﴿واوحينا الى ابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب والاسباط وعيسى وايوب ويونس وهارون وسليمان وآتينا داود زبوراً﴾ و رسلاً قد قصصناهم عليك من قبل و رسلاً لم نقصصهم عليك و کَلَّمَ الله موسى تكليماً^۲ که مشابه این تعبیر در یکی از این حوامیم بعد از [سوره مبارکه] یس هم آمده است که آنجا هم مشابه این تعبیر هست که فرمود انبیای ما دو قسم هستند يك قسمت رسلی‌اند که ﴿قصصناهم عليك﴾^۳ يك قسمت انبیایی هستند که ﴿لم نقصصهم عليك﴾^۴ نگفتیم جریان را این نشان می‌دهد که برابر آنچه که در روایات هست که انبیا خیلی بیش از آن هستند که اسامی شریفشان در قرآن کریم آمده است حالا یا ۱۲۴ هزاراند یا کمتر یا بیشتر و آنچه در قرآن کریم هست تقریباً ۲۵ نفرند انبیای فراوانی بودند که قصصشان و جریانشان در قرآن کریم نیامده سرّش آن است که آن

روز که نظیر جهانی شدن و جهانی کردن یا جهانی سازی که نبود به تعبیر اینها کلّ جهان در حد يك دهکده باشد همه از جای دیگر با خبر باشند شرقی از غربی با خبر باشد غربی از شرقی مستحضر باشد خاورمیانه از دو جناح با خبر باشد این طور که نبود قرآن يك داستانی را که نقل می کند برای آن است که دیگران ببینند و عبرت بگیرند و از مثبتاتش استفاده کنند از منفیاتش هم پرهیز کنند گاهی می فرماید ﴿سَیْرُوا فِی الْاَرْضِ فَانظُرُوا کَیْفَ﴾^۱ گاهی می فرماید ﴿فَانظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِینَ﴾^۲ و مانند آن. آن روزها آن طرف آب یعنی باختر دور و قسمتهای غرب کشف نشده بود و هیچ کس فکر نمی کرد که بعد از اقیانوس آرام خبری هست این طرف آب یعنی اقیانوس اطلس یعنی چین و اینها بود باخبر بودند «اطلبوا العلم ولو بالصین»^۳ بود ولی رابطه نبود کسی توان آن را نداشت که از حجاز سفری بکند به آن طرف آب، برود چین و از اوضاع چین با خبر بشود حالا اگر انبیایی که مربوط به آن طرف اقیانوس اطلس باشند یا انبیایی که آن طرف اقیانوس کبیر باشند قصصشان را قرآن نقل می کرد هیچ راهی برای اثبات نبود اینکه گاهی گفته می شود چطور انبیا همه اش در خاورمیانه هستند نه خیر بضعه ای از انبیا در خاورمیانه هستند بالاخره در روایات دارد که ۱۲۴ هزار پیغمبر حالا ۱۲۴ هزار نه صد تا پیغمبر يك چهارمشان در قرآن کریم آمده بقیه را خود قرآن کریم فرمود ما نگفتیم آخر راه ندارید شما بروید تحقیق کنید ما اگر قصه پیغمبری را که آن طرف باختر یا آن طرف خاور باشد [ذکر می کردیم] از چه راه شما اثبات می کردید می فهمیدید که ما درست می گوییم؟ اما ما اینجا قدم به قدم به شما نشان می دهیم این خاورمیانه است این راهتان است ما همان در جریان سفرهایی که شما به انطاکیه می روید بین حجاز و شام این سفرها را داشتید به شما گفتیم که

۱ - سورة غل، آیه ۶۹

۲ - سورة غل، آیه ۶۹

۳ - بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۷

دو تا قریه بود دو تا محل بود آثار تمدنی زیادی داشتند ما همه اینها را به هلاکت رساندیم خاک کردیم شما بروید اگر آثار باستانی می شناسید میراث فرهنگی می شناسید کند و کاو کنید ببینید زیر زمین چه خبر است ﴿ان فی ذلکم لآیاتٍ للمتوسمین﴾^۱ متوسمین یعنی وسمه شناس سیماشناس علامت شناس یعنی آثار باستانی شناس در جمع شما هم کسانی هستند این دو تا محلی که ما ویران کردیم بر جاده است سر راهتان است ﴿وانهما لبامام مبین﴾^۲ امام آن بزرگراه را می گویند امام و چون راهنمایان الهی در صراط مستقیم، اندیشه آنها علم آنها عمل آنها به منزله بزرگراه است لذا به اینها می گویند امام و گرنه امام آن بزرگراه را می گویند که اگر کسی وارد شد مستقیماً به مقصد می رسد فرمود ما این دو تا شهری را که ویران کردیم بر جاده است دور نیست شما اگر متوسمی دارید وسمه شناسی دارید سمه شناسی دارید سیماشناسی دارید علامت شناسی دارید کاملاً می توانید کند و کاو کنید آثارشان را هم بفهمید که با يك تمدن قوی ما اینها را خاک کردیم خب این گفتن دارد اما اگر از انبیا و امتهای خاور دور و باختر دور نقل می کردند کسی درك نمی کرد و اگر گفته شد همه معارف در قرآن کریم هست یعنی به لحاظ باطن هست که نزد ائمه (علیهم السلام) است و گرنه انبیایی بودند امی بودند مبارزاتی داشتند احتجاجاتی داشتند معجزاتی داشتند ایمان و قبول و نکولی داشتند هیچ کدام از آنها در قرآن نیامده ولی وجود مبارك معصوم (سلام الله علیه) که می فرماید عدد انبیا ۱۲۴ هزار است یکی از انبیا این چنین بود خدا به او این چنین گفته است اینها تبیینی است که از راه وحی و الهام خدای سبحان به این چهارده معصوم (علیهم السلام) فهمانده آنها به ما منتقل کردند پس این رسل که بعد از حضرت نوح هستند تنها همین ابراهیم و انبیای ابراهیمی (علیهم السلام) نیستند شاید انبیای

۱ - سورة حجر، آیه ۷۵

۲ - سورة حجر، آیه ۷۹

دیگری هم باشند که خدای سبحان داستان آنها را نقل نکرده است و آن تغییرِ تعبیری هم که در سوره مبارکه نساء هست شاید مشعر به همین معنا باشد آیه ۱۶۳ سوره نساء این است که ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ﴾^۱ معلوم می‌شود آن انبیایی که بعد از نوح هستند ناظر به ابراهیم و اینها نیست و گرنه فعل را تکرار نمی‌کرد از اینکه فعل و جمله را تکرار فرمود معلوم می‌شود آن انبیا غیر از حضرت ابراهیم‌اند

سؤال: ... جواب: چرا خب حالا این کشتی که در این مقطع بود حالا آن خاورِ دور یا آن باخترِ دور آن طرفِ اقیانوس اطلس و این طرف و آن طرف اقیانوس کبیر را که دسترسی نداشتند يك گروه خاصی نجات پیدا کردند بقیه هم که هلاك شدند مگر همیشه حضرت نوح کشتی ایجاد می‌کرد یا آن کشتی نوح در اختیار دیگری بود که قاره پیمایان با مردم با چه وسیله از اقیانوس آرام بگذرند؟

سؤال: ... جواب: بعدها کشتی پیدا شد آن وقت که این حرفها نبود

سؤال: ... جواب: منقرض شدند الان همین انبیای همین قسمت مهمی که الان در شرق هست بوداییها و هندوها اینها شاید حرفهای انبیا را مثل مجوسی‌ها تحریف کردند الان شما وقتی به غرب سری می‌زنید می‌بینید مثل اینکه بسیاری از اینها گرایش به بودایی پیدا می‌کنند حالا دیگر خسته شدند از زرق و برق مادیگری روی آوردند به يك سلسله مکتبهای آیینی نه دینی چون در بودا در هندو بالاخره آیین مطرح است نه دین يك مقداری گرایشهای معنوی هست اما عبادات و روزه و نماز و جهاد و این تکالیف در آن نیست یا اینها برداشتند لذا مورد قبول خیلی

از این غریبها احیاناً قرار می‌گیرد خب این همه حرفهایی که بودند از کجا اینها از ریشه معنوی بعد منحرفش نکردند؟

سؤال: ... جواب: بله آنها هم بود ولی ما دسترسی نداریم نمی‌دانیم که آن انبیا چه گفتند بعد از وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چون همگان موظف بودند این را بپذیرند دیگر سخن از انبیای دیگر نبود همه‌شان موظف بودند که همین را بپذیرند

سؤال: ... جواب: کاملاً می‌توانند حالا يك عده ظالماً جلوی‌شان را می‌گیرند فرمود ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّ سَوَاحِلُ الْأَرْضِ بِالْأُتُكِلَاءِ﴾ الان که جهانی است که، الان در مسأله تجارتش می‌شود جهانی فرهنگش می‌شود جهانی خیلی از آداب و سننش می‌شود جهانی دینش نشود جهانی؟ غرض آن است که اینکه فرمود انبیایی بعد از نوح آمدند این منحصر در حضرت ابراهیم و انبیای ابراهیمی شاید نباشد انبیای دیگر را هم شامل می‌شود بعد فرمود شما را ما بعد از آنها جانشینان قرار دادیم چه اینکه آنها را هم جانشین گذشتگان قرار دادیم ﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ این جمع در مقابل جمع است یعنی این رسل این انبیا برای اقوامشان معجزات آوردند نه اینکه بالبینات که جمع مُحَلَّاً به الف و لام است نشان آن باشد که هر پیغمبری دارای چندین معجزه بود گاهی برخی از انبیا يك معجزه مثلاً آوردند جریان حضرت صالح این‌طور بود این جمع در مقابل جمع است یعنی مجموع انبیا مجموع بینات را داشتند آن‌گاه کسانی که بار اول دوم سوم چهارم و مکرر در مکرر انبیا (علیهم السلام) به اینها هشدار می‌دادند اینها نمی‌پذیرفتند این نپذیرفتن این انکار این الحاد برای اینها به صورت يك رسوب جاهلی مانده است دیگر قبول نمی‌کردند ایمان بیاورند آنهایی که در اوایل نرمش نشان می‌دادند دین را

می پذیرفتند تا آخر ماندند مثلاً اما آنهایی که در اوایل سرسختی نشان دادند این گناههای مرکب و متراکم در اینها رسوبی ایجاد کرد ﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ﴾ آنهایی که در گذشته تکذیب کرده بودند دیگر نمی پذیرفتند قوم نوح که به هلاکت رسیدند اینها هم که قوم انبیای بعدی بودند بر اساس ﴿تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ﴾^۱ مثل آنها فکر می کردند اوایل انکار بود بعد اصرار شدید در الحاد ﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ﴾ سرش آن است که ﴿كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ﴾ افراد در اوایل امر بر اساس آن فطرت بر اساس ﴿فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا﴾^۲ آزادند اگر کسی بیراهه رفت و خدای سبحان به او مهلت داد که از کجراهه برگردد و او برگشت و توبه کرد راه نجات را پیدا می کند اگر همچنان آن بیراهه رفتن را ادامه داد دیگر از آن به بعد خدای سبحان این توفیق را به او نمی دهد او را به حال خودش رها می کند این ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾^۳ که در اوایل سوره مبارکه بقره بخش شده است آن هم همین بود ﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾^۴ در سوره صف است از این قبیل است ﴿نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ﴾ از این قبیل است بالاخره گرایش و علاقه پیدا کردن يك امر وجودی است و فیض و لطف است و به دست ذات اقدس اله است اول خدای سبحان انسان را با علاقه خلق کرد یعنی از نظر بینش انسان متساوی الطرفین است ولی از نظر گرایش یکطرفه است به سمت فضیلت میل دارد از نظر بینش و دانش ﴿فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا﴾^۵ هم صدق را می فهمد که یعنی چه هم کذب را می فهمد یعنی چه هم حیات را می فهمد یعنی چه هم ممات را می فهمد یعنی چه این از نظر دانش، از نظر گرایش هر کسی به دنیا می آید به طرف امانت و صداقت و

۱ - سوره بقره، آیه ۱۱۸

۲ - سوره شمس، آیه ۸

۳ - سوره بقره، آیه ۷

۴ - سوره صف، آیه ۵

۵ - سوره شمس، آیه ۸

پاکی قدم برمی دارد این بچه را ولو با شوخی اگر کسی به دروغ عادت ندهد او راست می گوید اصلاً دروغ نمی گوید دروغ را بعدها با تلقین و امثال تلقین یاد می گیرد این چنین نیست که گرایش بچه به راست و دروغ یکسان باشد دانش بچه به دروغ و راست ﴿فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا﴾ علی السوی^۱ است اما گرایش او منش او کشش او به سمت فضیلت است اگر به نوجوانی رسید همین طور است به جوانی رسید همین طور است که گرایش اینها به طرف فضیلت است لذا فرمود ﴿فَاقُمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۲ حالا اگر کسی با داشتن سرمایه های الهی الهام فجور و تقوا گرایش به طرف تقوا مفعول بودن به فطرت الهی همه اینها را داشت همه اینها را پشت سر گذاشت بیراهه رفت این بیراهه رفتن يك غباری بر صحنه دل او می نشاند کم کم بر اساس ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ رین می گیرد این غبار روی آینه هم همین طور است دیگر اول که چرك و رین نیست که، اول يك غبار مختصری است

سؤال: ... جواب: آن را در بحثهای ساهای گذشته هم اشاره شد که مرحوم صدوق (رضوان الله علیه) نقل می کند وقتی از امام (علیه السلام) سؤال کردند که «وَالشَّقِيُّ شَقِيٌّ فِي بَطْنِ امَةٍ»^۳ یعنی چه آن سعید ظاهراً در روایت نیست آن که ایشان نقل می کنند حضرت فرمود معنای اینکه گفتند شقی در بطن مادرش شقی است یعنی خدای سبحان می داند که این شخص وقتی به دنیا آمده با اینکه می تواند راه سعادت را طی کند عالماً عامداً راه شقاوت را طی می کند «سَيَعْمَلُ أَعْمَالَ الْأَشْقِيَاءِ»^۴ نه اینکه او حتم شده است که این باید بیراهه برود هرگز ذات اقدس اله بر کسی بیراهه رفتن را رقم نزده است همه را به طرف راه راست هدایت کرده با آن منش و گرایش اگر کسی بخواهد

۱ - سورة روم، آیه ۳۰

۲ - کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۱۶

۳ - توحید، ص ۳۵۶

بیراهه برود در بطن مادر که هست خدا می‌داند این شخص با اینکه دوستان او همسایه‌های او همسالان او به طرف خوبی رفتند او می‌توانست به طرف خوبی برود عالماً عامداً به بیراهه می‌رود «سيعمل أعمال الاشقياء»^۱ بنابراین اگر کسی خدای ناکرده با داشتن همه این فضایلی که خدا مرحمت کرده است بیراهه برود خدا مهلت می‌دهد راه توبه و انابه را باز می‌کند تا يك سنّ مشخصی اگر معلوم شد که دیگر او پیشنهادش این است که ﴿سواء علينا اوعظت ام لم تكن من الواعظين﴾^۲ در برابر انبیا يك چنین موضعی می‌گیرد از آن به بعد خدای سبحان لطف خود را از این می‌گیرد این را به حال خودش رها می‌کند اینکه وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بارها عرض می‌کرد «الهی و آله آبائی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابداء»^۳ همین است چنین حالتی را می‌گویند طبع یعنی حالا چاپ شده گناه در او چنین حالتی را می‌گویند ختم یعنی مهر شده است خب چه وقت مهر می‌کنند؟ وقتی صحنه نامه پر بشود جایی برای نوشتن مطلب جدید نباشد امضا می‌کنند فرمود این صحنه شفاف و سفید دل را تا آخرش پر کرده دیگر جایی برای نوشتن مطلب جدید نگذاشت لذا ﴿ختم الله علی قلوبهم﴾^۴ ما دیگر حالا مهر کردیم، مهر کردیم یعنی این را به حال خودش رها کردیم نه اینکه يك چیزی به عنوان ضلالت [را در] آنجا نهاده کردیم ضلالت که يك امر وجودی و دادنی نیست این شخص را به حال خودش رها بکنی با سوابق سوئی که دارد این دیگر ایمان آور نیست و لذا فرمود ﴿كذلك نطبع علی قلوب المعتدين﴾ نه قلوب افراد عادی اگر کسی نه تنها اهل عداوت بود که اهل تعدی بود نه تنها اهل تعدی بود اهل اعتدال بود اعتدا بالاتر از عداوت است در آن بعد منفی مثل اینکه اقتدار بالاتر از قدرت است اگر گفتید فلان شخص قادر است يك بار مثبت دارد اگر گفتید آن

۱ - توحید، ص ۳۵۶

۲ - سورة شعراء، آیه ۱۳۶

۳ - کافی، ج ۷، ص ۲

۴ - سورة بقره، آیه ۷

شخص دیگر مقتدر است يك بار مثبتِ برتری دارد این «زیادة المبانی تدل على زیادة المعانی» در اینجاها ظهور می‌کند اقتدار بالاتر از قدرت است بالاتر از عداوت است این شخص نه تنها عدو خدا و پیغمبر است بلکه معتدی است اگر این‌طور باشد دیگر خدای سبحان می‌فرماید ما طبع می‌کنیم یعنی چاپ شده گناه در او دیگر حالا به سوء اختیار خودش گرفتار است که اعاذنا الله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا.

«والحمد لله رب العالمین»